

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۲)

زهرا محمدحسینی صغیری^۱

چکیده

لالایی از انواع مهم ادب شفاهی به شمار می‌رود که بسیاری از مسائل اجتماعی در آن بازتاب یافته است. لالایی‌ها بارزترین گونه ادبیات زنانه و نشانه حضور زنان در ادبیات هستند، بنابراین اهمیت ویژه‌ای در شناخت شخصیت زن، جایگاه او در خانواده و نیز دیدگاه زن نسبت به دنیای اطراف دارند. این ترانه‌ها، تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و جغرافیایی، مضامین متنوعی دارند؛ عشق، فرزندداری، گلایه از سفر و ابزار دلتنگی، دعا و خیرخواهی، استقبال از پدر و تکریم شخصیت پدر که از جمله این مضامین است. در لالایی‌ها حضور مرد به عنوان همسر، مهم‌ترین مسئله‌ای است که پژوهشگران، پس از مضامینی که حول محور شخصیت کودک می‌گردد، به آن پرداخته‌اند.

دیدگاه معمول در زمینه پژوهش بر روی لالایی‌ها، رنجش‌های حاصل از ظلم و بی‌وفایی شوهران را نشان می‌دهد که این رنجش‌ها را با آهنگی غمگین بر سر گهواره کودکان آواز می‌کنند. این مقاله، با روش تحلیل مضمون، حدود ۷۵۰ لالایی از منابع مختلف را بررسی نموده و برخلاف دیدگاه مذکور به این نتیجه رسیده است که زنان لالایی‌خوان، همواره با ستایش شخصیت مرد، دلتنگ شدن در نبودنش و خواندن دعای خیر پشت سرش، عشق خود را به همسر نشان داده‌اند و به بزرگداشت شخصیت او در ذهن کودک پرداخته‌اند.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کلیدواژه‌ها: لالایی، ترانه، ستایش همسر، مردستیزی، مادرانه.

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، رایانامه: zahrasaghiri@yahoo.com

۱۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

لالایی‌ها از نشانه‌های بارز حضور زنان در ادبیات شفاهی هستند؛ میراث ارزشمندی از فرهنگ گذشته جامعه که در گستره زمان جاری شده و سینه‌به‌سینه با زبانی صمیمی و آهنگی دلنواز و آرامش‌بخش از گهواره‌ای به گهواره‌ای دیگر انتقال یافته‌اند. این سروده‌ها، پرورده احساسات مادرانی هستند که غلیان عشق و عاطفه مادرانه خود را در موسیقی کلمات می‌ریزند و موافق با تکانه‌های گهواره، به کودکان خود انتقال می‌دهند تا کودک با آرامش به خواب رود.

لالایی از خصوصی‌ترین لحظه‌های زندگی زنان مایه می‌گیرد و سرچشمه آن درونی‌ترین لایه‌های شخصیت زن است، به همین دلیل برخی پژوهشگران آن را فضای مناسبی برای ابراز دلتنگی و شکایت از بی‌وفایی و ظلم و ستم شوهر، مادرشوهر و هوو دانسته‌اند و با بزرگ‌نمایی و تمرکز بر چند لالایی، تمام ابعاد مربوط به ستایش همسر را نادیده گرفته و لالایی را مانیفستی ضد مرد جلوه داده‌اند. این دیدگاه به مضمونی کلیشه‌ای تبدیل شده است و تقریباً در تمام پژوهش‌هایی که درباره لالایی انجام می‌گیرد، وجود دارد.

منابع استفاده شده در این پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) مقالاتی که درباره لالایی‌ها نگاشته شده‌اند و در پیشینه پژوهش معرفی خواهند شد.

ب) کتاب‌هایی که لالایی‌های مناطق مختلف را گردآوری کرده‌اند. منابعی که به صورت خام استفاده شده‌اند و منابع اصلی این پژوهش به حساب می‌آیند که عبارت‌اند از:

کتاب *لالایی‌های ایران*، اثر سید ابراهیم عمرانی (۱۳۸۱) (حدود ۲۵۵ لالایی) با مجموعه‌هایی از لالایی‌های کرمان، خراسان، فارس، مازندران و آذربایجان؛ کتاب *لالایی در فرهنگ مردم ایران* اثر ابراهیم جمالی (۱۳۸۷) (حدود ۲۳۰ لالایی) با مجموعه‌ای از بهترین لالایی‌های مناطق مختلف کشور؛ کتاب *فرهنگ عامیانه سیرجان*، اثر مهری مؤید محسنی (۱۳۸۶) (حدود ۱۱۰ لالایی)، کتاب *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*، اثر محمد

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۱۷

احمد پناهی سمنانی (۱۳۸۳) (حدود ۶۸ لالایی) و کتاب فرهنگ عامه اردکان اثر سید محمود طباطبایی اردکانی (۱۳۸۱).

در این جامعه آماری محدود، نمونه‌های متعددی برای هر مضمون وجود دارد اما به منظور جلوگیری از اطاله کلام، به ذکر چند نمونه بسنده شده و از تکرار برخی لالایی‌ها که چند مضمون مشترک در آن احساس می‌گردد تا حد امکان پرهیز شده است. شایان ذکر است که در این میان برخی لالایی‌ها، در شهرهای مختلف عیناً تکرار شده و گاهی نیز روایت‌های مختلف یک لالایی در چند منبع ثبت شده است.

پیشینه پژوهش

خوشبختانه در زمینه جمع‌آوری لالایی‌ها کارهای مفیدی شکل گرفته است، اما پژوهش‌های مربوط به زمینه مضامین لالایی‌ها معدود بوده و عمدتاً با دیدگاه ضد مرد است. در این خصوص می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- مقاله «لالایی، کهن‌ترین زمزمه سحرانگیز مادر» از صادق مقدسی (۱۳۸۳) که به ساختار و موضوع لالایی‌ها پرداخته است. نویسنده، مضمون لالایی‌ها را به سه دسته تقسیم کرده است: دسته اول لالایی‌هایی با مضامین مختلف آرزوهای مادر برای فرزندش. دسته دوم مضامین مربوط به خود مادران با مفاهیمی چون بیان درد و رنج‌ها، دوری از همسر یا جفای آنها و... و دسته سوم لالایی‌هایی با مضامین سیاسی و اجتماعی.

- مقاله «لالایی، موسیقی» از بهروز وجدانی (۱۳۸۷) که به نقش زن در انتقال فرهنگ شفاهی پرداخته است. این پژوهش لالایی را به عنوان نخستین آموزه، ابزار مادران برای انتقال فرهنگ شفاهی به نوزادان دانسته است. نویسنده محتوای این لالایی‌ها را «جور زمانه، بیداد شوهر، تنگی معیشت، کار طاقت‌فرسا، مرگ بستگان، هجران شوهر، خیانت شوهر، بی‌پناهی و بی‌سرپرستی مادر، طعنه هوو، جادوی مادرشوهر، آرزوهای مادر برای فرزند خود و ده‌ها موضوع دیگر در همین زمینه» دانسته و گفته است: «شعر این ترانه‌ها برای کودکان نبوده، بلکه کودک حکم سنگ

۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

صبور را داشته و گفتار لالایی‌ها حدیث نفس مادرها و دایه‌ها بوده است» (وجدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

- مقاله «بررسی لالایی‌ها در سه قوم آذری، کرد و گیلک»، از آزاده حق‌گو (۱۳۹۰) که به بررسی و مقایسه مضمون لالایی‌ها در سه قوم مذکور پرداخته است. نویسنده لالایی را «زبان انتقادی زنان برای بیان احساسات و آرزوها و اعتقادات خود در خصوص نوع رابطه با همسر و آیین تمام‌نمای دردهای زن در جوامع پیچیده انسانی» می‌داند. (حق‌گو، ۱۳۹۰: ۷۶)

- مقاله «لالایی‌ها رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان؟» از حلیمه عنایت و همکاران (۱۳۹۰) که به تحلیل مضامین لالایی‌های منطقه لامرد فارس از دیدگاه جامعه‌شناسی پرداخته است. این پژوهش مدعی است که لالایی در جامعه مردسالار و سنتی آن زمان کارکردهای پنهانی برای زنان داشته است: «اول فضای اعتراضی برای زنان ایجاد نموده است. دوم شرایطی برای گفت و شنود و بیان خواسته‌ها به صورت غیرمستقیم، مهیا ساخته است و سوم فضایی برای تخلیه فشار ساختاری و روانی موجود فراهم آورده است». از نظر نویسندگان، لالایی «بیان اعتراض منفعلانه زنان به شرایط موجود» است. (عنایت و همکاران ۱۳۹۰: ۵۷)

- مقاله «نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی» از کاووس حسن‌لی (۱۳۸۲) به لالایی به عنوان «یکی از گونه‌های منظوم ادبیات کودکان» نگریسته که «از سرچشمه‌های عاطفه و احساس و مهر جوشیده» است. نویسنده در این مقاله به ارزش موسیقایی و مضامین لالایی‌ها می‌پردازد و یکی از مضامین لالایی‌ها را «بیان آرزوها، رنج‌ها و دردهای مادران» می‌داند. وی درباره مادران شهرنشین لالایی‌نخوانده می‌نویسد: «مادران در اسارت سیم و دود و آهن و... از زمزمه کردن نیازهای خود بازمی‌مانند. این گونه است که عقده‌های سرکوفته و نیازهای برنیامده مادران لالایی‌نگفته و کودکان لالایی‌نشیده، از آنها انسان‌هایی دیگر و نسلی دیگرگونه می‌سازد». (حسن‌لی، ۱۳۸۲: ۷۹)

- مقاله «لالایی‌ها و نوازش‌های مادران کرد» از هاشم سلیمی (۱۳۸۹) که به بررسی لالایی‌های کردی می‌پردازد و این سروده‌ها را «فریاد در گلو مانده زنان ستم‌دیده از

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۱۹

مناسبات نابرابر اجتماعی در دوره‌های پدرشاهی و مردسالاری» می‌داند. (سلیمی، ۱۳۸۹: ۲۱۰)

مقاله حاضر با بررسی بیش از ۷۵۰ لالایی و استخراج، تقسیم‌بندی و تحلیل مضامین معتقد است که لالایی‌ها گویای تأیید و ستایش همسر هستند. بدین ترتیب با آوردن شاهد مثال‌هایی از لالایی‌ها به اثبات مدعای خود پرداخته است.

مفهوم لالایی

لالایی‌ها، مانند هر نوع ادبی دیگر، تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و حتی جغرافیایی، مضامین متنوعی دارند. لالایی نخستین بینشی است که مادر از دنیای بیرون به کودک می‌دهد؛ جهانی که هنوز تا حد زیادی برای کودک ناشناخته است و این شناخت نمی‌تواند سراسر گلایه از پدر باشد. «با این لالایی‌ها، طبیعت، محیط پیرامون، حال و هوا و فضای اطراف و مسائل مربوط به زندگی، از زبان مادر و تغنی مهربان و بیان گرم او به طفل منتقل می‌شود و طفل که برای شناخت و دریافت کیفیت زندگی پیرامونش در تمام زمینه‌ها کنجکاو است و تقلا می‌کند، از این طریق با آنها آشنا می‌گردد و کم‌کم با رنگ‌ها، اصوات، اشیاء، اشخاص و محیط اطراف خود انس می‌گیرد» (انجوی شیرازی، ۱۳۸۴: ۶۳). روشن است که شخصیت پدر که بیشتر اوقات را در بیرون منزل و دور از کودک به سر می‌برد، تا حد زیادی با همین تعاریف و بازگویی‌ها یا بازنمایی‌ها برای کودک شکل می‌گیرد.

در حالی که لالایی با گذشت زمان بر آگاهی کودک از پدر، خانواده و دنیای اطرافش اثر می‌گذارد، دور از ذهن است که پنداریم مادر به عنوان اولین آموزه‌ها و اولین ارتباط، «عقده‌های سرکوب‌شده‌اش» را که همه «حاصل کینه‌هایی است که او از پدر کودکش در دل دارد»، برای کودک ترنم کند. نتیجه چنین اقدام و چنین آموزه‌ای کودک است که با احساس بغض نسبت به پدر، رشد شخصیتی و عقلی می‌یابد.

این مقاله با نگاهی دیگرگون به لالایی‌ها، به تحلیل مضامین ستایش همسر در لالایی‌ها پرداخته و با تقسیم‌بندی این مضامین در شش محور اصلی، شواهد موجود را

❖ ۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بیان کرده است. در پایان نیز به اندک لالایی‌هایی اشاره شده که به مفهوم واقعی، گله و شکایت از مردان است و مقایسه‌ای میان دو مضمون یاد شده انجام گرفته است.

۱. عشق

یکی از مضامینی که در لالایی‌ها به چشم می‌خورد، مضمون عشق و گفتگو با معشوق است. در منابع بررسی شده، حدود ۳۰ لالایی دارای این مضمون است که برای نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. زن به طور غیرمستقیم در خلال لالایی‌ها، گفتگوها و برش‌هایی کوتاه از یک رابطه عاشقانه را که در زندگی او جریان داشته یا دارد، بیان می‌کند یا با معشوق خود در گفتگو می‌آید:

لالالا عزیز ترمه‌پوشم کجا بردی کلید عقل و هوشم
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۶۷)

لالالالا حییب من به درد دل طیب من
همین روزا جدایی را خدا کرده نصیب من
(جمالی، ۱۳۸۷: ۵۹)

گاهی نیز شاهد ناز و عتاب عاشقانه در این دسته لالایی‌ها هستیم که با خواندن آن به وضوح درمی‌یابیم که مخاطب این لالایی‌ها کودک نیست، اگرچه مورد خطاب قرار گرفته است:

لالا لالا گل راجونۀ من بکن کفش و بیا در خونۀ من
بکن کفش و بیا در روی قالی بده دستمال دستت یادگاری
بده دستمال دستت تا بشورم به آب زمزم و صابون لاری
(همان: ۸۴)

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۲۱

چو خدانندو گرمه مشم	داغ باشوندا دورموشام
Čoxdându gormamišam	dâq bâšundâ durmušâm
من سندن دویماموشام (همان)	قرآن گتر آند ایچم
man sandan doymâmušâm	qorân gatr ând içim

(بالای کوه ایستاده‌ام / خیلی وقت است که تو را ندیده‌ام / قرآن بیاور سوگند بخورم /
که من از تو سیر نشده‌ام)

این خطاب‌های عاشقانه نمی‌تواند تصویرگر ظلم و ستم مرد به زن باشد؛ بلکه بیانگر احساسات و عاطفه‌ای قوی است که زن نسبت به همسرش دارد و در لالایی‌هایش آن را به آواز می‌خواند. پژوهشگرانی که با دیدگاه فمینیستی لالایی‌ها را تأویل کرده‌اند، به ناچار این دسته لالایی‌ها را گفتگو با معشوق خیالی دانسته‌اند:

«گاهی اوقات لالایی خواندن زن، ضمن اینکه به قصد خواب کردن کودک بوده به نیت سخن گفتن با معشوق دیوار به دیوار یا دلدار خیالی نیز بوده است» (وجدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

اما همان‌گونه که گفته شد، به نظر می‌رسد مخاطب این سخنان عاشقانه همسر باشد. چنانکه در برخی لالایی‌ها به صراحت به همسر اشاره شده و تعبیر عاشقانه با توصیفات ظریف درباره‌ی وی به کار رفته است:

لالا لالا گل پسته	بوات اومد قطار بسته
قبای زرد زنگاری برش بو	تفنگ لوله مرواری کولش بو
عرق بر زیر زلفش دونه دونه	که گل بر زیر زلفش کرده خونه
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۹۲)	

«در این لالایی که حال و هوای ایلپاتی دارد، مادر به فرزندش نوید آمدن پدر با قطار فشنگ و تفنگ لوله مرواری می‌دهد. توصیف همسر در این لالایی بسیار لطیف و عاشقانه و با زیبایی فراوانی بیان می‌شود» (همان). دوری همسر از خانه و یار، نه تنها او را از یاد نمی‌برد، که او را عزیزتر کرده است. زن با وفاداری منتظر بازگشت یا در انتظار خبری از وی، برایش پیغام‌های عاشقانه می‌فرستد و در راهش گل می‌ریزد:

۲۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لالالالا ای کبک مستم میون کبک‌ها دل بر تو بستم
میون کبک‌ها یادم نکردی به انگشت کاغذی یادم نکردی
مگر شهر شما شهر یمن بود یه انگشت کاغذش پانصد تومن بود
(همان: ۱۰۷)

سر کوه بلند هی‌هی کنم من تفنگ نقره افتاد و طلا شد
تفنگ نقره افتاد و طلا شد دو دستمال پر کنم پر سیب و گلنار
از اینجا تا به آنجا خیلی راهه کلوخش در چینم خاکش بریزم
(جمالی، ۱۳۸۷: ۷۸ - ۷۹)

سر کوه بلند ویساده ویدم گل سرخ و سفیدی کاشته ویدم
گل سرخ و سفید از هم جدا شد خبر آمد که یارم کدخدا شد
(همان: ۹۱)

نالیدن از مرگ شوهر و بی‌همدم شدن نیز مضمون این گونه از عاشقانه‌ها در لالایی‌هاست. زن که با مرگ یار خود، همه چیزش را از دست داده است، او را گلی برچیده شده و خود را خار تنها مانده می‌داند. اندوه فراوانی که در لالایی وجود دارد، پیوند عاطفی و مهر زن را به همسرش نشان می‌دهد:

گلی از دست رفت و خار ماندست به من جور و جفا بسیار ماندست
به دستم مانده طفل شیرخواری مرا این یادگار از یار ماندست
(وجدانی، ۱۳۸۷: ۱۰۱)

در این لالایی می‌توان به روشنی مویه‌های زنی را که روزگار با سنگدلی تمام، داغ یار را بر قلبش گذاشته است، احساس کرد؛ زنی که پس از مرگ همسرش، هستی خود را هیچ می‌انگارد و کودکش را که اکنون، تنها یادگار معشوق از دست‌رفته است، تنها دارایی و امید زندگی خود می‌داند. یعنی هستی کودک، با وجود عاطفهٔ مادرانه، از این جهت برای او ارزشمند است که یادگاری باقی‌مانده از وجود یار است.

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۲۳

همچنین لالایی‌ای که در آن زن، دوری از همسر را درد جانگداز دانسته و در نیمه‌های شب، در عمق تنهایی خود فرو رفته و ناله‌های محزون سر داده است:

والله شب هجران درازن، وای بر خوم عزیزم خواب نازن، وای بر خوم
والله بخون مرغ سحر بیدار میشه مو دردم جون‌گدازه، وای بر خوم

رودم لالا لالایی، عزیز دلم لالا لالایی

(جهازی، ۱۳۸۸: ۶۶)

این‌گونه لالایی‌های عاشقانه که گاهی به ترانه‌ها نزدیک می‌شود در لالایی‌های شهرها و مناطق مختلف چشم‌نوازی می‌کند و گواهی بر ادعای این مقاله است که لالایی‌ها شکوائیه زنان ستم‌کشیده به‌ستوه‌آمده از شوهران نیست.

۲. فرزندداری

آرزوی مادر برای اینکه دختر نوزادش بزرگ شود و شوهر کند، از مضامین دیگر لالایی‌هاست. در منابع بررسی شده، ۵ لالایی با این مضمون یافت شد. اگر این‌گونه فکر کنیم که مادر از همسر خود سرخورده و نالان است، خوشبختی دخترش را در ازدواج و مادرشدن نمی‌بیند و هیچ‌گاه بزرگ شدن و به‌خانه‌بخت رفتن را برای او آرزو نمی‌کند. برعکس می‌تواند برای او نوای مصیبت سر دهد که تو هم روزی ناگزیر شوهر خواهی کرد و این سختی‌ها را خواهی چشید. اما می‌بینیم که ازدواج و مادر شدن فرزند دختر، برای مادر آرزویی شیرین می‌نماید:

قیزیم بویوک اولرسن بیرگون اره گدرسن
qizim boyuk olarsan bir gun ara gedarsan
الله خوشبخت ایله‌سن بیرگون ننه ایله‌سن
âllâh xoşbaxt elasen bir gun nana elasen
(احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۲۲۳)

۱. برگردان: لالایی دخترم / روزی بزرگ خواهی شد / به‌خانه شوهر خواهی رفت / خدا تو را خوشبخت کند / که روزی مادر خواهی شد.

۲۴. فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گل نرگس را از شاخه جدا کنم لای لای به یقه آویزان کنم لای لای
تو بزرگ شوی و من پیر در عروسیت برقصم لای لای
(حق‌گو، ۱۳۹۰: ۸۲)

در همین راستا پسرش را پشت و پناهی برای پدر می‌داند. کسی که از جنس همسرش است و می‌تواند حامی او باشد:

لالا لالا گ_____ ارزن خدا داده به ما فرزند
که فرزندم پسر باشه که پشتی ور پدر باشه
(مؤیدمحسنی، ۱۳۸۶: ۱۹۶)

اگرچه نمی‌توان از این نکته چشم‌پوشی کرد که به دلایل مختلف اجتماعی و فرهنگی همچون ادامه نسل، داشتن نیروی کار و... داشتن فرزند پسر بر دختر ارجحیت داشته، اما این مسئله تناقضی با بحث مورد نظر ما ندارد.

لالا لالا عسل باشی دلم می‌خواست پسر باشی
به هر مجلس که بنشینی تو جادار پدر باشی
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۸۳)

۳. گلایه از سفر و ابراز دلتنگی

در لالایی‌های مورد استناد، تعداد ۷۷ لالایی با مضمون گلایه از سفر مرد و ابراز دلتنگی برای او وجود دارد. در جامعه‌ای که مرد به دلایل مختلفی چون سربازی، دفاع از ناموس یا کشور، کسب درآمد و گذران زندگی مجبور است ساعت‌ها، روزها یا هفته‌ها دور از خانواده باشد، تحمل دوری مرد از خانه برای زن بسیار سخت بوده است؛ آن هم در دوره‌ای که راه‌های ارتباطی امروزی وجود نداشته است. برای مثال «در کرمان در ازمنه قدیم پاره‌ای مردمان این سامان روزی خود را از بیابان بی‌کران حاصل می‌کردند و از جمله اشتغالات می‌توان از کتیرازنی، خارکنی و هیزم‌کشی نام برد» (همان: ۴۶) که در برخی لالایی‌هایی به آن اشاره شده است:

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۲۵

آلا لالاسیادونه که بابا در بیابونه

یا:

الهی باد و بارونت بگیره تخرسه^۱ در بیابونت بگیره

(همان: ۴۶)

همچنین است لالایی هایی که در آن به محصولات هندوستان چون هل و دارچین یا به روشنی به نام هندوستان اشاره شده و مشخص است که پدر برای کار به هندوستان رفته است:

بابات رفته به هل چینی آورده قند و دارچینی

یا:

آلا لالا ملوس مملل که گهوارت چوو^۲ صندل
لحافت چیت هندسون که بالشتت پر سیستون
ایا ای باد تابستون نظر کن سوی هندسون
بگو بابا عزیز من برا رویم کتون بستون
برا شبهای تابستون اگر داری دو تا بستون
(همان: ۴۴)

«با توجه به اینکه کشت هل در ایران هرگز مرسوم نبوده، مسلم این است که عده‌ای از مردم صفحات جنوبی ایران که برای کار به هندوستان می‌رفته‌اند، به این کار اشتغال داشته‌اند. مؤید این نظر مصراع دوم لالایی است که پدر از هندوستان دارچین با خود به سوغات می‌آورد. دارچین محصول خاص هندوستان است.» (همان: ۴۵)

زن در نبود شوهر احساس تنهایی و بی‌سرپناهی می‌کند. آوای دلتنگی سر می‌دهد و از «جبر دنیایی» که مسبب این دوری است گلایه و ابراز ناخرسندی می‌کند:

لالا لالا لالایی امان از جبر دنیایی

(احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۲۲۶)

۱. تگرگ

۲. چوب

۲۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لالا لالا گل انجیر بابات را کردنش زنجیر
لالا لالا گل ریحون بابات رفته راه تهر و ن
لالا لالا گل اسفند بابات رفته پی گوسفند
لالا لالا گل پسته بابات رفته نخور غصه
(جمالی، ۱۳۸۷: ۶۷)

لالا لالا گل زیره بابات رفته که کار گیره
(همان: ۵۴)

لالا لالا گل نازی بابات رفته به سربازی
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

این دسته لالایی‌ها که بسامد زیادی در مناطق مختلف دارد، سرتاسر گلایه و دل‌تنگی است؛ اما انگشت اتهام این گلایه‌ها به سمت شوهر نیست که شوهر خود نیز غریب و تنها مانده است:

لالا لالا گل مینا بابات رفته به کوه تنها
(جمالی، ۱۳۸۷: ۵۲)

لالاییت می‌کنم گل‌دسته مو به غربت رفته‌ای جان و دل مو
به غربت رفته‌ای بسیار منشین که غربت پیر میشی آخر دل مو
(جهازی، ۱۳۸۸: ۶۶)

لالا لالا گل پسته بابات رفته کمر بسته
چو مرغ بال و پر بسته بابات بار سفر بسته
(همان: ۴۹)

مادر که جای خالی همسرش را احساس می‌کند با فرافکنی احساس خود به کودک بی‌تابش و حتی گدایی که در خانه آمده است، غم خود را از نبود همسرش بیان می‌کند:

لالا لالا گل قالی بابات رفته جایش خالی
(احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۲۱۶)

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۲۷

لالا لالا گل پونه باباش رفته بچم خونه
لالا لالا گل نعنا باباش رفته بچم تنها
(جمالی، ۱۳۸۷: ۳۵)

لالا لالا گل غوره گدا اومد در خونه
نونش میدم نمی گیره همش میگه کو صابخونه
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۵۷)

لالا لالا گل باغ بهشتم برای بابایت نامه نوشتم
نوشتم نومه رود من عزیزه دو چشمونش شب و روز سرمه ریزه
(جمالی، ۱۳۸۷: ۳۵)

در هیچ کدام از این لالایی ها تنفیری نسبت به مرد دور از خانه وجود ندارد؛ چرا که اغلب اجباری در رفتن بوده است. عاطفه ای که در این قبیل لالایی ها غلبه دارد، دلتنگی و غم است.

۴. دعا و خیرخواهی

لالایی های فراوانی وجود دارد که در آن زن برای پدر فرزندش دعا می کند، به مقدسات و ائمه (علیهم السلام) توسل می جوید و از خداوند می خواهد که او را از گزند حوادث مصون دارد، پشت و پناهِش باشد و او را به سلامت بازگرداند. ۲۱ لالایی با این مضمون یافت شد که به برخی از آنها اشاره می شود:

لالا لالا گل نعنا آفات رفته خدا همرا^۱
(جمالی، ۱۳۸۷: ۷۹)

۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لالا لالا گل نرگس نیبـنم داغ تو هرگز
نه داغ تو نه از بابات نه از دایمی بلندبالات
(مؤید محسنی، ۱۳۸۶: ۱۸۰)

و روایت دیگر این لالایی که به صورت زیر در رفسنجان ثبت شده است:

لالا لای لالاچه نیبـنم داغت ای بچه
اول از تو دویم بابات سیم دایمی بلندبالات
(همان، ۱۸۵)

یا روایت‌های دیگر این لالایی که در کرمان ثبت شده است:

لالا لالا گل نرگس که بد بر تو نیاد هرگس^۱
نه بد بر تو نه بر بابات نه بر دای بلند بالات
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۵۳)

لالا لالا گل خشخاش بابات رفته خدا همراش
خدا همراه راهش بود علی پشت و پناهش بود
(مقدسی، ۱۳۸۳: ۱۵۹)

تکرار این مضمون و این دسته لالایی‌ها با لهجه‌ها و ثبت‌های گوناگون در شهرهای مختلف ادعای مردستیز بودن لالایی‌ها را نفی می‌کند؛ چه زنی که از رنج و بیداد و فشارهای روانی شوهرش به جان آمده است، نمی‌تواند دعای خیر بدرقه راه او کند و آرزوی بازگشتنش را داشته باشد. مادر ایرانی همیشه از آمدن همسرش شاد می‌شود و نوید آمدنش را در لالایی‌ها به کودکش می‌دهد.

لالایی: ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۲۹

۵. نوید آمدن پدر

برخی پژوهشگران پدر را «شخصیت غایب لالایی‌ها» دانسته‌اند (نک: کیانی و حسن‌شاهی، ۱۳۹۱: ۱۰۸). اما باید گفت مرد به‌رغم اینکه یا بیرون از خانه یا در سفر است، وجود او خیلی دور نیست و در بیشتر لالایی‌ها مدام نوید آمدنش به کودک داده می‌شود. گاهی آنقدر نزدیک است که صدای پایش را می‌توان حس کرد. این انتظار بیانگر آن است که حضور مرد نویدبخش و مایه دلگرمی و امید زن و کودکش است. در لالایی‌های بررسی شده ۵۰ لالایی دربردارنده این مضمون هستند. در بسیاری از این لالایی‌ها از ره‌آوردهایی نام برده می‌شود که پدر، به همراه خود می‌آورد:

لالا لالا بوم تا ماه درآیه چشات خو کنم آفات بیایه

(جمالی، ۱۳۸۷: ۷۷)

لالا لالا که لالایت می‌بیایه نماز شام بابایت می‌بیایه

نماز شام اگر دیدی نیامد سحرگاه بر سر جاییت می‌بیایه

(همان: ۷۱)

وقتی آمدن مرد، تسلای دل زن باشد، دور از ذهن است که این مرد، شخصیت ترسناک و گوشه‌تاریک زندگی زن باشد:

لالا لالای لالا کن نگا ور باغ بالا کن

بین بابات می‌بیایه دل مآدر تسلی کن

(مؤیدمحسنی، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

مولالات می‌کنم تا ماه درآیه که بابات سفرن زودی بیایه

(جمالی، ۱۳۸۷: ۸۸)

در برخی لالایی‌ها می‌توان نشانه‌های محبت و توجه به خانواده را در وجود مرد، از لابه‌لای اشعاری حس کرد که مادر برای کودکش می‌خواند و به او امید آمدن پدر را می‌دهد:

۳۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بیا بابا به باغش بر به سیل^۲ سیب و نارش بر
 ازون سیبا به کوشش^۱ کن ازون نارا به دوشش کن
 ازون نارا ی پردونه بکن در کوش دردونه
 (عمرانی، ۱۳۸۱: ۶۶)

و گاهی با شادمانی آمدن پدر را به کودکش مژده می‌دهد و ابراز خرسندی می‌کند:
 لالا لالا خیر اومد که بابات از سفر اومد

(همان: ۵۶)

بچه کوچیک لالاش میاد به امید خدا باباش میاد

(جمالی، ۱۳۸۷: ۸۳)

خرجی و سوغاتی آوردن پدر را هم می‌توان یکی از همین نشانه‌ها دانست:
 لالا لالا گل مرجی^۳ بابا انه دنه خرجی^۴
 lââlâ lââlâ gal marji bâbâ ene dene xarji

(عمرانی، ۱۳۸۱: ۱۴۱)

لالا لالا گل بادام بابات رفته توی دالان
 بیارت از برات بادام لالا لالا گل پسته
 آقات اومد کمر بسته آورده از برات پسته
 (جمالی، ۱۳۸۷: ۷۰)

داشتن این همه امید و علاقه به آمدن مرد و اظهار شادی از آمدنش نشانه مهری است که زن از مرد در دلش دارد. بنابراین این دسته از لالایی‌ها نیز زنان لالایی‌خوان را از اتهام مردگریزی و مردستیزی دور می‌کند.

۱. سیر

۲. به دامش

۳. عدس

۴. بابا می‌آید و خرجی می‌دهد.

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۳۱

۶. محوری بودن شخصیت پدر

پس از کودک و مادر که خواننده و شنونده لالایی‌ها هستند و به طور طبیعی حضورشان در تک تک لالایی‌ها حس می‌شود، برجسته‌ترین شخصیت در لالایی، پدر است. توضیح اینکه، برجسته‌ترین مضمون پس از تشبیه کودک به گل‌های مختلف، نقش پدر در ذهن و زندگی کودک و مادر است؛ چه آنگاه که در سفر است و مادر با تکرار اسمش خود را تسلی می‌دهد و انتظار آمدنش را در لالایی‌ها آواز می‌کند و برای سلامتی‌اش دعا می‌کند و چه وقتی که آمده است و مادر به حضورش می‌بالد و احساس امنیت می‌کند که در دل خود دارد، به کودکش انتقال می‌دهد. حدود ۴۵ لالایی به طور خاص به برجسته‌سازی شخصیت پدر اختصاص دارند که خود شامل موارد مختلفی می‌شود. برای این لالایی‌ها سه دسته قائل شده‌ایم؛ ۱- لالایی‌هایی که بسامد تکرار اسم پدر در آنها بیانگر اهمیت شخصیت وی هستند. ۲- لالایی‌هایی که به بزرگداشت مقام پدر اختصاص می‌یابند. و ۳- لالایی‌هایی که پدر را حامی و پشتیبان فرزند دانسته‌اند:

- اهمیت شخصیت پدر

تکرار نام پدر را در لالایی‌های مناطق مختلف، هم‌پای نام گل‌ها می‌توان دید که این خود لطافتی به حضور پدر می‌بخشد:

بابات اومد چشت روشن	لالا لالا گل اوشن ^۱
بوات ^۲ اومد کمر بسته	لالا لالا گل پسته
بوات رفته به کوه تنها	لالا لالا گل نعنای
بوات رفته به سربازی	لالا لالا گل نازی
بوات رفته خدا همراهش	لالا لالا گل خشخاش
که بابا در بیابونه	لالا لالا سادیادونه

(عمرانی، ۱۳۸۱: ۱۰۱)

۱. آویشن

۲. بابایت

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بابات رفته خونه دایی	لالا لالا گل چایی
بابات رفته یه جای دور	لالا لالا گل انگور
بابات رفته پیش عامو	لالا لالا گل شب‌بو
بابات رفته خونه عمه	لالا لالا گل پنبه
بابات رفته خونه خاله	لالا لالا گل لاله
تو بابا در سفر داری	لالا لالا خبـــر داری

(مؤیده‌محسنی، ۱۳۸۶: ۱۷۸ و ۱۹۸)

آقات رفته سر کاهدون	لالا لالا گل بادوم
آقات او مد سر صندوق	لالا لالا گل فندق
بابات رفته سر قصه	لالا لالا گل پسته
آقات رفته در خونه	لالا لالا گل پونه

(جمالی، ۱۳۸۷: ۵۱)

در این لالایی‌ها حتی از نوع تشبیهات و کلمات استفاده شده می‌توان شادی مادر را از بودن پدر و اندوهش را در نبودنش حس کرد. تکرار فعل «آمدن» شادی حضور پدر و «تکرار مداوم «بابات رفته» اندوه پنهان مادر و دل‌بستگی او به همسرش را نشان می‌دهد». (کیانی و حسن‌شاهی، ۱۳۹۱: ۹۹)

- احترام و بزرگداشت شخصیت پدر

نکته دیگر اهمیت شخصیت مرد در ذهن زن و بزرگداشت و احترام به وی در دنیای کودک است؛ همچون لالایی‌هایی که در آن زن، شوهر خود را به بزرگی وصف می‌کند:

تو سردار بلوچونی	لالا لالا به قوچونی
از ای خیمه به در بسته	بلوچایی که سرمسته

(جمالی، ۱۳۸۷: ۶۵)

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۳۳

بابات اومد قطار بسته	لالا لالا گل پسته
تفنگ لوله مرواری کولش بو	قبای زرد زنگاری برش بو
به جنگ شیر رفته باز لالایی	بابات رفته سفر شیراز لالایی
(عمرانی، ۱۳۸۱: ۱۰۴)	

یا لالایی‌هایی که کودک خود را میرزاده و ملأزاده و شاهزاده می‌خواند و در واقع با ستودن کودک و آوردن این صفت‌ها برای او، به شوهر خود مقام و منزلت می‌بخشد و او را می‌ستاید:

تو فرزند کدوم می‌ری	لالا لالا گل خیری
تو هستی نسل شاهزاده	ازون میرهای میرزاده
(همان: ۵۸)	

کتاب لیل و مجنون خوانده باشی	دلم می‌خواد که ملأزاده باشی
(جمالی، ۱۳۸۷: ۵۵)	
شوهری که در خانه‌اش عزیز است و هنگامی که بازگردد، خوراکش مغز بادام است:	
اگر بابات بیاد خونه	خوراکش مغز بادومه
(همان: ۴۰)	

- حامی بودن پدر

پدر در لالایی‌ها پشتیبان کودک است. کسی که وجود کودک را از هر آسیب و گزند مصون می‌دارد. مادر پیوسته برای سلامتی‌اش دعا می‌کند و با تکرار نام او، کودک را از بودنش خاطر جمع می‌سازد:

لالا لالا که لالا داری ای گل	بخواب خوش که بابا داری ای گل
(همان: ۷۰)	

نام پدر همپای مقدساتی که پشت و پناه و حامی کودک‌اند ذکر شده است:

تو از رودم چه می‌خواهی	برو لولوی صحرائی
کلام الله به بر داره	که رود من پدر داره
(همان: ۸۳)	

۳۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به بیان دیگر، مادر در لالایی‌ها برای حفظ کودک همان‌گونه که به خداوند و ائمه (علیهم‌السلام) و قرآن توسل می‌جوید، کودک بی‌خوابش را به داشتن پدر به عنوان کسی که نگهبان او در هر سختی و خطر است، دلگرم می‌کند تا آسوده به خواب برود:

لالا لالا لالا لایلی
برو لولو سیاهی تو

برو لولوی صحرائی
برو سگ بی‌حیایی تو

مکن ناله زن فریاد

که رود من پدر داره دو خنجر بر کمر داره

دو قرآن در بغل داره خدایی بالا سر داره

(مؤیدمحسنی، ۱۳۸۶: ۱۸۶)

همه این لالایی‌ها نشانگر میزان اهمیت مرد نزد زن است. ضمن اینکه مادر با خواندن این لالایی‌ها به برجسته‌سازی شخصیت پدر در ذهن کودک کمک می‌کند.

لالایی‌های گلایه از مرد

در میان شمار فراوانی از لالایی‌ها که در ستایش مرد، پناه جستن در سایه وی، بزرگداشت و ابراز علاقه و دلبستگی به مرد است، لالایی‌های انگشت‌شماری وجود دارند که در آنها زن تنها مانده در خانه، از همسر خود گلایه‌مند است. تعداد این لالایی‌ها با در نظر گرفتن روایت‌های مختلف و حتی تکرار یک لالایی یکسان در شهرهای مختلف، ۲۲ لالایی است؛ یعنی کمتر از ۳ درصد از مجموع لالایی‌های مورد بررسی. یکی از این لالایی‌ها که به نظر می‌رسد عامل اصلی ایجاد تفکر مردستیز بودن لالایی‌هاست، لالایی زیر است:

لالالا گل زیره بابات رفته زنی گیره کنیزی ور تو می‌گیره

کنیز تو سیاه باشه گلوبندش طلا باشه

طلا رسم بزرگونه که نقره در قلمدونه

(جمالی، ۱۳۸۷: ۳۹)

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۳۵

این لالایی به صورت بالا یا با حذف مصراع‌های آخر یا با اختلاف روایت که معمولاً نتیجه کوچ لالایی‌ها و متناسب با تغییرات جغرافیایی و محیطی است، در مناطق مختلف تکرار شده است:

بابات رفته که زن گیره	لالا لالا گل زیره
دل مادر آرام بگیری	الهی زنش بمیره
(همان: ۷۶)	

بوآت رفته خورموج زن بگیره	لالا لالا گل زیره
اگر به از خومه رگش بشینه	اگه مثل خومه داغش نبینه
(همان: ۲۴)	

آقات رفته زنی گیره	لالا لالا گل زیره
دل مادر جا بگیری	شالا کارش سر نگیری
(همان: ۵۱)	

آقات رفته زنی گیره	لالا لالا گل زیره
زنش نیمه راه بمیره	شالا کارش سر نگیری
(همان: ۵۱)	

بابات رفته خدا همراش	لالا لالا گل خشخاش
کنیز صد تومن گیره	بابات رفته زنی گیره
صدا کفش آقاش می‌یاد	لالا لالا لالاش می‌یاد
کنیز صد تومن گیره	آقاش رفته زن گیره
(احمد پناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۸۱ و ۲۲۵)	

۳۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جالب این است که در هیچکدام از این لالایی‌ها زن نفرینی در حق همسرش نمی‌کند یا به او ناسزا نمی‌گوید. تنها به زنی که ممکن است با ورود به زندگی‌اش، «هو»ی او و در پندار خود کنیز فرزندش بشود، دشنام و نفرین می‌گوید. شمار دیگری از این لالایی‌ها هستند که گلایه زن در آن بدیهی و انکارناپذیر است، اما تعداد آنها کم است و نمی‌تواند مبنایی برای ضد مرد بودن لالایی‌ها به حساب آید:

لالا لالا گل پونه بگیر آروم بگیر بونه
بابات از خونه قهر کرده دل‌م از دس او خونه
(مؤیدمحسنی، ۱۳۸۶: ۱۸۲)

لالا لالای لالاتم اسیر دست باباتم
خدا بابات نگه داره غریبم حرمتم داره
(همان: ۱۲۵)

در اردکان این لالایی به صورتی دیگر آمده:

لالا لالای لالادم اسیر قد و بالادم
خداوندا تو را دارم به درگاه تو می‌نالم
(طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۳۶۰)

لالا لالا گل ریخون نکن ناله نشو گریون
خدا عمری به بابات ده اسیرم کرده تو سیرجون
(مؤیدمحسنی، ۱۳۸۶: ۱۸۲)

در دو لالایی از این چهار لالایی، می‌بینیم که زن برای سلامتی و طول عمر همسرش دعا هم می‌کند. از طرفی وجود شش لالایی ضد مرد در بیش از ۷۵۰ لالایی که بیشتر آن در ستایش و تکریم و تأیید مرد سروده یا خوانده شده‌اند، به‌راستی قابل اغماض است. به بیان دیگر می‌توان گفت، دست‌کم با استناد به یک یا چند لالایی، نمی‌توان لالایی‌ها را مشحون از بغض و کینه زنان نسبت به خیانت و ظلم شوهرانشان دانست.

لالایی؛ ستایش همسر یا مردستیزی؟ ❖ ۳۷

جمع بندی

لالایی‌ها از مؤلفه‌های مهم شناخت جایگاه زن در خانواده و تحلیل روابط درون خانواده‌ای بویژه میان زن و شوهر هستند. آنچنانکه برخی پژوهشگران پنداشته‌اند، لالایی بیان سرخوردگی‌ها و کینه‌های روح زخمی زنان از همسران ستمگر حق‌کش نیست. از میان ۷۵۰ لالایی، تعداد ۲۲۸ لالایی در ستایش مرد و تنها ۲۲ لالایی ضد مرد هستند که از این تعداد، ۷ لالایی مختلف و بی‌تکرار و باقی، روایت‌های مختلف از لالایی «گل زیره» هستند. یعنی از تعداد ۷۵۰ لالایی در نظر گرفته شده، نزدیک ۳۱ درصد لالایی‌ها در تأیید و ستایش مرد و تنها کمتر از ۳ درصد مردستیز هستند. در تمام مقاله‌هایی که به شکایت زن از همسر یا بی‌وفایی شوهر و گلایه از چندهمسری و نظام مردسالاری اشاره شده، به استفاده از یک لالایی یا حداکثر روایت‌های مختلف از یک لالایی بوده است. حقیقت این است که تعداد لالایی‌های ستایش‌آمیز مرد به زبان و بیان مختلف آنقدر زیاد است که حتی وجود چند لالایی علیه مرد، نمی‌تواند تأثیر چندانی در این روند بگذارد. در این زمینه می‌توان به لالایی‌های عاشقانه که مخاطب حقیقی‌اش همسر است، لالایی‌هایی که زن همسرش را از دریچه وجود فرزند دختر یا پسرش می‌ستاید و لالایی‌هایی اشاره کرد که دل‌تنگی زنان برای همسران به سفر رفته خود و میزان وابستگی عاطفی زن را به همسرش نشان می‌دهد.

زن ایرانی از حضور همسرش شاد است و نبودن او را با تمام وجود احساس می‌کند. احساس تنها بودن می‌کند و با تکرار نام پدر به خود و کودکش آرامش می‌دهد. او را حامی خود و خانواده‌اش می‌داند و در هر شغلی که باشد، شاه و میر و سردار می‌خواندش. مردی که با دست‌های پر روزی و پربرکت به خانه می‌آید و چشم همسر و کودکش را روشن می‌کند.

۳۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

منابع

- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). **ترانه و ترانه‌سرایی در ایران**. چ ۲، تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۴). «ادب شفاهی و زبان‌آموزی به کودک در فرهنگ مردم». **فرهنگ مردم**. ش ۱۳، صص ۶۲-۷۳.
- جمالی، ابراهیم (۱۳۸۷). **لالایی در فرهنگ مردم ایران**. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- جهازی، ناهید (۱۳۸۸). «لالایی‌هایی از بوشهر». **نحوای فرهنگ**. ش ۱۱، صص ۶۱-۷۰.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۲). «نگاهی به خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی». **پژوهشنامه ادب غنایی**، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان. ش ۱، صص ۶۱-۸۰.
- حق‌گو، آزاده (۱۳۹۰). «بررسی لالایی‌ها در سه قوم آذری، کرد و گیلک». **فصلنامه فرهنگ مردم ایران**. ش ۲۴، صص ۷۱-۹۰.
- سلیمی، هاشم (۱۳۸۹). «لالایی‌ها و نوازش‌های مادران کرد». **گوهران**. ش ۲۳ و ۲۴، صص ۲۱۰-۲۱۸.
- طباطبایی اردکانی، سید محمود طباطبایی (۱۳۸۱). **فرهنگ عامه اردکان**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عمرانی، سیدابراهیم، خرداد (۱۳۸۱). **لالایی‌های ایران**. تهران: پیوند نو.
- عنایت، حلیمه، حسینی، مریم؛ عسکری، جواد (۱۳۹۰). «لالایی‌ها رسانه‌ای زنانه یا ملودی خواب‌آور کودکان؟». **زن در فرهنگ و هنر**. ش ۲، صص ۵۷-۷۶.
- کیانی، حسین؛ حسن‌شاهی، سعیده (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ساختار و درون‌مایه لالایی‌های فارسی و عربی». **مطالعات ادبیات کودک**، دانشگاه شیراز، س ۳، ش ۲، صص ۹۱-۱۱۴.
- مقدسی، صادق (۱۳۸۳). «کهن‌ترین زمزمه سحرانگیز مادر». **فرهنگ مردم ایران**. ش ۲، صص ۱۵۷-۱۶۴.
- مؤیدمحسنی، مه‌ری (۱۳۸۶). **فرهنگ عامیانه سیرجان**. چ ۲، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- وجدانی، بهروز (۱۳۸۷). «لالایی، موسیقی». **کتاب ماه هنر**. ش ۱۲۲، صص ۹۸-۱۰۴.